

گفت و گو با:

پیشکسوت و معلم ورزش

امیر معتقدالحق



تهیه و تنظیم:
فرمانز ورکیانی

شماره ۶
دوره هفتم - شماره ۲
تابستان ۱۳۸۷

○ از این که قبول زحمت کردید و دعوت ما را برای شرکت در این گفت و گو پذیرفتید، متشکریم. لطفاً برای خوانندگان مجله بگویید که چگونه به ورزش علاقه مند شدید و ورزش را از چه سنی آغاز کردید؟ □ روبه روی دبیرستان ما یک باشگاه ورزشی وجود داشت که من ناخودآگاه بعد از ظهرها به آن جا می رفتم. ۱۱ یا ۱۲ ساله بودم که بدن سازی را در این باشگاه شروع کردم. اما جرئت نداشتم که در منزل بگویم ورزش می کنم، چون در آن دوره خانواده ها معتقد نبودند که ورزش را باید از پایه شروع کرد. بعد از گذشت یکی دو ماه، وقتی از نزدیک ورزش ژیمناستیک را دیدم، به آن علاقه مند شدم و آن را شروع کردم. در آن زمان فقط یک سالن مختص ژیمناستیک، آن هم در پارک شهر تهران وجود داشت که همه ی قهرمانان ورزشی در این سالن تمرین می کردند. من جذب این سالن شدم و در آن جا ژیمناستیک تمرین می کردم. در آن سالن ورزش های دیگری مثل کشتی و پینگ پونگ هم انجام می شد. در سال ۱۳۴۲، به عنوان عضو تیم دانش آموزان آموزشگاه فرهنگ تهران در مسابقات قهرمانی آموزشگاه های تهران شرکت کردم و برای اولین بار

اشاره

امیر معتقدالحق، متولد سال ۱۳۲۵ در تهران است. وی پس از اتمام دوره ی دبستان به دبیرستانی در میدان قیام (میدان شاه سابق) رفت و ژیمناستیک را زمانی که نوجوانی ۱۳ یا ۱۴ ساله بود، شروع کرد. او در سال ۱۳۴۲ در مسابقات قهرمانی ژیمناستیک مقام اول را کسب کرد و در سال ۱۳۵۲، جزو اولین داورانی بود که بین المللی شدند. در سال ۱۳۵۳، وی رسماً داور بین المللی ژیمناستیک در ایران بود.

معتقدالحق، ۳۵ سال به شغل معلمی مشغول بوده و در کنار آن، به آموزش ورزش ژیمناستیک، مربیگری و همکاری با فدراسیون های ورزشی هم پرداخته است. معلمی را در سال ۱۳۵۲، به عنوان متصدی تربیت بدنی آموزش و پرورش در حسن آباد قم آغاز کرد و بعد از آن، به عنوان معلم و دبیر در تمامی دوره های تحصیلی به آموزش دانش آموزان پرداخت و در دانشگاه تربیت معلم هم مربی بود. معتقدالحق بعد از انقلاب، مسئول انجمن ژیمناستیک آموزش و پرورش و نیز مربی تیم ملی ژیمناستیک ایران بود و بعد از انقلاب به عضویت شورای عالی تربیت بدنی آموزش و پرورش درآمد.

من معلم ورزشی بودم که حتی یک روز هم کسی مرا بدون لباس ورزشی در زمین ورزش ندید



اما باز هم شرایطی پیش آمد که وزنه برداری را کنار گذاشتم و جذب ورزش ژیمناستیک شدم. در سال ۱۳۴۶ بار دیگر به عنوان عضو تیم ملی ژیمناستیک انتخاب شدم.

○ شغل معلمی را چگونه آغاز کردید؟
□ پس از پایان تحصیل و انجام خدمت سربازی، چون از کودکی علاقه‌ی وافری به معلمی داشتم و از آموزش دادن لذت می‌بردم، مربی شدم. در آن زمان دبیرستان دارالفنون کانونی

تشکیل داده بود که در آن انواع ورزش‌ها انجام می‌شد. من مربی ژیمناستیک آن کانون شدم. اکثر تیم‌هایی که مربیان سطح بالایی داشتند، در این کانون فعالیت می‌کردند. ولی این موفقیت‌ها مرا راضی نمی‌کرد. دوست داشتم که معلم باشم. شغل معلمی را از دبستان آغاز کردم و تا دوره‌های راهنمایی و دبیرستان و حتی تربیت معلم کارم را ادامه دادم. حدود یک سال هم در یک مهدکودک به کودکان ژیمناستیک آموزش دادم.

دوران معلمی من پر است از خاطرات تلخ و شیرین. در دورانی که مربی دانشگاه تربیت معلم بودم و چند سالی بود که واحد ژیمناستیک را درس می‌دادم، بعضی از دانشجویها می‌گفتند، ما ناچار این شغل را انتخاب کرده‌ایم. من به آن‌ها می‌گفتم، اگر معلم به کارش علاقه نداشته باشد، معلم موفق نخواهد بود. به آن‌ها می‌گفتم که طی این ۳۵ سال، من به یاد ندارم که حتی یک بار در حیاط مدرسه با لباسی غیر ورزشی ظاهر شده باشم. من و هم دوره‌ای‌هایم همه عاشقانه آموزش ورزش را دوست داشتیم و هیچ‌گاه از ورزش خسته یا سیر نشدیم.

انتخاب شدم و برای مسابقات قهرمانی ژیمناستیک کشوری رفتم. ناگفته نماند که پدرم هنوز از ورزش من اطلاعی نداشت. یعنی از ترس این که به من اجازه‌ی فعالیت ورزشی ندهد، او را در جریان قرار نداده بودم. ناچار، زمانی که می‌خواستم برای مسابقات چند روز از خانه غیبت کنم، از مادرم خواستم پدرم را در جریان قرار دهد. برخلاف تصورم، پدرم همراه من آمد، تیم را دید و خیلی هم خوشش آمد و مرا هم تشویق کرد.

○ آیا شما به جز ورزش ژیمناستیک به ورزش دیگری نیز علاقه مند شدید؟

□ یادم هست در سال ۱۳۴۶، آقای جلالی که بچه محل ما بود، وزنه برداری می‌کرد و به مسابقات وزنه برداری توکیو رفته بود. وقتی از توکیو برگشت، همه جا را چراغانی کردند و این مراسم برای من بسیار هیجان‌انگیز بود. او پیشنهاد کرد که چون قدم برای وزنه برداری مناسب است، ورزش وزنه برداری را ادامه دهم. من هم ژیمناستیک را رها کردم و به سراغ وزنه برداری رفتم. با آقای جلالی آن قدر تمرین کردم که قهرمان اول جوانان ایران در وزنه برداری شدم.



و شناسایی می کنند: شنا، دو و میدانی، و ژیمناستیک. در دنیای ورزش، امکان ندارد که ورزشکاری ژیمناستیک نداشت، به سراغ ورزش دیگری برود. تمام بچه های دنیا ورزش را از ژیمناستیک آغاز می کنند. اگر توجه کنید، در چین یا روسیه، حدود ۱۰۰ میلیون دانش آموز ژیمناست دارد. روشن است که همه ی آن ها قهرمان نیستند. بچه ها بدن خود را با ژیمناستیک تقویت می کنند و شکل می دهند. بعد متخصص، آنان را شناسایی می کند و برای ورزش های متفاوت معرفی می شوند. یعنی ژیمناستیک دروازه ی ورود به ورزش های دیگر است.

ما الان در فدراسیون ها از مهدکودک شروع کرده ایم. یعنی به مربیان مهدکودک ژیمناستیک عمومی را آموزش می دهیم. ژیمناستیک عمومی به تخصص چندانی نیاز ندارد. فقط می خواهیم مربیان چند حرکت را یاد بگیرند و به درستی به بچه ها آموزش دهند که باعث آسیب دیدگی بدن نشود. این چند حرکت را می توان در مدت زمان کوتاهی به مربیان آموزش داد.

○ به اعتقاد شما پیشرفت ورزش ژیمناستیک در کشور ما چگونه است؟

□ به جرئت می توانم بگویم که در گذشته ژیمناستیک در کشور ما خیلی فعال تر از امروز بود و با دنیا پیش می رفت. اما امروزه دنیا خیلی جلوتر از ما حرکت می کند و ما حرکت کندی داریم. اگر توجه کنید، قهرمانان نامی کشور، ورزش را از ژیمناستیک آغاز کرده اند. در حال حاضر صحبت از این است که فدراسیون های ورزشی، با بچه هایی که می خواهند عضو آن فدراسیون ها شوند، ابتدا ژیمناستیک را شروع کنند. خوش بختانه بودجه ی فدراسیون ها زیاد شده است و بچه های با استعداد کشور را در عرض این دو سال به اردو برده ایم. ما به متخصص درجه یک نیاز داریم که به بچه ها آموزش حرفه ای برای ورود به

○ برخی معتقدند که ساعات درس تربیت بدنی به فواید بهداشتی و مهارتی منجر نمی شود و بعضی پژوهش های علمی نیز از این اندیشه حمایت می کنند. نظر شما چیست.

□ نظر من مخالف این ادعاست. متأسفانه در مدارس، ما بچه های با استعدادی داشتیم که پدر و مادر آن ها اجازه نمی دادند، ژیمناستیک کار کنند و ادعا می کردند که ژیمناستیک قد را کوتاه می کند. یعنی هنوز در جامعه جا نیفتاده است که فرد قد بلند برای بسکتبال خوب است، نه این که بسکتبال قد را بلند می کند. و کسی که قد متوسط دارد، برای ژیمناستیک مناسب است، نه این که ژیمناستیک قد را کوتاه می کند. به همین خاطر، مردمان کشورهای شرق آسیا برای ژیمناستیک خوب هستند. حتی بعضی ها ورزش را مانع فعالیت های زندگی می دانند. یعنی فکر می کنند اگر بچه ها به سمت ورزش بروند، دیگر درس نمی خوانند. من مخالف این نوع افکار هستم و فکر می کنم، ورزش تضمین کننده ی بهداشت روانی است.

○ ژیمناستیک، ورزش مورد علاقه و تخصصی شماست. لطفاً درباره ی آن کمی توضیح دهید؟
□ امروزه در دنیا سه ورزش را به عنوان ورزش پایه معرفی



اگر پدر و مادری بخواهد فرزندش ورزشکار و قهرمان باشد، باید برای او وقت بگذارد

○ سالن‌ها و کانون‌هایی که آموزش و پرورش تأسیس کرده‌اند، چه نقشی در پیشبرد اهداف ورزشی دارند؟ □ سالن‌های ورزشی آموزش و پرورش، امکانات بسیار بیشتری نسبت به گذشته دارند. در گذشته ما چون تفریح زیادی نداشتیم، جذب باشگاه‌های ورزشی می‌شدیم. حالا هم همین‌طور. ولی کلوپ‌های ورزشی پولی هستند، گرچه پول‌دارها از آن‌ها استفاده نمی‌کنند. کسی که پول دارد، ورزش نمی‌کند. ورزش اصولاً برای کسانی است که از مدرسه می‌آیند و کاری و جایی ندارند و جذب باشگاه ورزش می‌شوند. درصد بالایی از قهرمانان ما، چه در مدارس و چه در جاهای دیگر، از اقشار متوسط جامعه بوده‌اند؛ کسانی که از رفاه نسبی برخوردارند. از طرف دیگر اگر توجه کنید، مدرسه‌ای که در کنارش سالن ورزشی وجود دارد، باید پول داشته باشد تا آن سالن را اجاره کند. اگر بودجه‌ی کافی نداشته باشد، نمی‌تواند از آن استفاده کند من عقیده دارم، از آن‌جا که همه‌ی بچه‌ها درس می‌خوانند و ورزش را از آموزش و پرورش شروع می‌کنند، اگر امکانات ورزشی مناسبی در اختیار مدارس قرار دهند، اعم از معلمین مجرب و بودجه کافی، در به‌ثمر رسیدن قهرمانان گامی بلند برداشته‌ایم.

○ ضرورت و اهمیت ورزش در خارج از ایران به چه صورتی است؟ □ زمانی که، تیمی از ایران را برای شرکت در مسابقات دانش‌آموزان جهان به فرانسه برده بودیم و خوش‌بختانه نایب قهرمان جهان هم شدیم. هنگام بازگشت، در فرودگاه خانمی ایرانی که در فرانسه اقامت داشت، می‌گفت پسر من در دانشگاه پاریس، در دوره‌ی دکترا تحصیل می‌کند. به او گفته‌اند، برای کامل شدن مدارک پایان تحصیلی، باید ورزش شنا را که جزء ورزش‌های پایه است، به‌طور کامل فرا بگیرد و مدرک آن را بیاورد. یکی از استادان شنا در ایران می‌گفت، در بعضی از کشورهای اروپایی اگر دانش‌آموز در دبستان ورزش شنا را خوب فرا گرفته باشد، اصلاً نمی‌تواند به دوره‌های راهنمایی و دبیرستان برود. ما در کشورهای مختلف دنیا دیده‌ایم که به ورزش اهمیت زیادی می‌دهند. من فکر می‌کنم

مسابقات قهرمانی، آموزش حرفه‌ای بدهد. متأسفانه در ورزش ما همه به دنبال مدال هستند. این را می‌دانند که باید ورزش‌های پایه‌ی شنا، دو و میدانی و ژیمناستیک را آموزش دهند، ولی باز هم به دنبال فوتبال و کشتی می‌روند که ورزش‌های مدال‌آور هستند.

○ ورزش ما از گذشته تا به حال چه تحولاتی داشته است و نقش آموزش و پرورش در این میان چیست؟ □ در گذشته بیشتر قهرمانان ملی از آموزش و پرورش می‌آمدند. در آن زمان، در اردو‌هایی که از طرف آموزش و پرورش برگزار می‌شد، قهرمانان آینده شرکت داشتند و ما آن‌جا یکدیگر را می‌شناختیم و باعث آشنایی ما در آینده می‌شد. به عبارت دیگر، اگر امروز در ورزش شکست می‌خوریم، به این معنی است که آموزش و پرورش کار نکرده است و اگر پیروز شویم، نقش آموزش و پرورش متجلی شده است. ورزش در مدارس ما دو ساعت در هفته بیشتر نیست و متأسفانه برای همین دو ساعت به کلاس‌های اول، دوم و سوم ابتدایی معلم ورزش نمی‌دهند. در گذشته نمی‌دانستند که بچه‌ها باید ورزش را از سنین پایین شروع کنند، ولی حالا متوجه این نکته شده‌اند. در آن دو ساعت بچه‌ها فقط به دنبال توپ می‌روند و آموزش ندارند. بیشتر تفریح می‌کنند تا ورزش. دو ساعت ورزش در میان سایر درس‌ها، جایی برای ورزش‌های قهرمانی باقی نمی‌گذارد. برای این‌که دانش‌آموزی بتواند به مرحله‌ی قهرمانی صعود کند، باید از کانون‌هایی که آموزش و پرورش تأسیس کرده است و متأسفانه خیلی کم هستند، استفاده کند. البته این کانون‌ها نتوانسته‌اند در کشور جایگاه قهرمانی داشته باشند که من علل آن را عدم رسیدگی به ورزش قهرمانی، عدم رشد کافی در ورزش به خصوص ژیمناستیک، کمبود مربیان متخصص و متعهد و دلسوز، کمبود فضای آموزشی و فقدان بودجه‌ی کافی می‌دانم. جایگاه ورزش قهرمان، چه در آموزش و پرورش و چه در حوزه‌های دیگر ورزشی، بسیار ناچیز است. فقط دو ساعت در هفته ورزش در حیاط مدرسه، آن هم با یک کلاس ۳۰ نفره، برای آموزش کافی نیست. باید فضای موجود برای آموزش مهیا باشد. ما عاشق ورزش بسیار کم داریم.

دیگر مسائل مادی امثال ما را ارضا نمی کنند. عشق به کار است که باعث رضایت ما می شود

دانش آموزی را به مرحله ی قهرمانی برسانند؛ مگر این که شاگرد خودش مستعد باشد و ورزش مورد علاقه اش را در باشگاه ها ادامه دهد. در آن مرحله می شود به او در جهت قهرمان شدن کمک کرد، چون ورزش قهرمانی حداقل به شش هفت ساعت تمرین روزانه نیاز دارد.

○ از خدمات دیگر خود بگویید.

□ در منطقه ی شهرری که معلم بودم، وقتی فهمیدند ژیمناستیک هم کار می کنم، سالی در آن زمان تأسیس کردند و به ژیمناستیک اختصاص دادند. من در آن جا به بچه ها آموزش می دادم. در هفت سال آخر خدمتم نیز، تربیت بدنی آموزش و پرورش منطقه ۱ کانونی در منطقه ی شمیران تأسیس کرد و به ژیمناستیک اختصاص داد. این سالن بسیار مجهز و مدرن بود و وسایل آن از بهترین وسایل و جدیدترین تجهیزات ژیمناستیک محسوب می شد.

من مدیر سالن ژیمناستیک بودم. هر سال، ورزش قهرمانی ژیمناستیک مدارس را در آن جا ترتیب می دادیم و بچه های مستعد را برای قهرمانی آماده می کردیم.

○ در گذشته انتخاب معلم ورزش چه اصولی داشت؟

□ خیلی قدیم تر از ما، معلمان ورزش باید دوره ی دانش سرای ورزش را می گذراندند و بعد معلم ورزش می شدند، در زمان ما، مدرسه ی عالی ورزش بود که عده ای از طریق آن مدرسه معلم ورزش می شدند و عده ای هم پس از دیپلم در آموزش و پرورش استخدام می شدند و بعد دوره های ورزشی را می گذراندند. یاد می آید که آن زمان ۵۴۰ ساعت دوره ی ورزشی را گذراندم، بعد وارد مدرسه شدم. یعنی ما هم که قهرمان و ورزشکار بودیم، باید این دوره ها را می دیدیم.

○ وظایف معلم ورزش در ارتباط با دانش آموزان چیست؟ چه طور می تواند شوق و انگیزه ی لازم را در بچه ها ایجاد کند؟

□ به نظر من، ورزش هم مثل دیگر درس هاست و معلم باسواد می تواند آن را به درستی تعلیم دهد، دانش آموز

اگر بودجه ی بیشتری خرج ورزش کنیم، خیلی کمتر از بودجه ای خواهد بود که ما برای درمان بیماری ها باید هزینه کنیم. در بعضی از کشورها، دانش آموزان مستعد را شناسایی و انتخاب می کنند و به اردو می برند تا هم ورزش کنند و هم درس بخوانند. در چین و روسیه، ۱۰۰ میلیون بچه ژیمناستیک کار می کنند و از بین آن ها، تعدادی که مستعد قهرمانی هستند، انتخاب می شوند و در مدارس مخصوص برای قهرمانی آماده می شوند.

ما پیشنهاد کردیم که طرحی را برنامه ریزی کنیم تا بتوانیم مفید باشیم.

○ شما به عنوان یک پیشکسوت ورزشی، تاکنون چه

تلاشی در جهت پیشبرد اهداف ورزشی داشته اید؟

□ با تشکیل معاونت ورزشی در تربیت بدنی، ما عضو فدراسیون جهانی ورزش دانش آموزی شدیم که خیلی مهم بود. در آن زمان قرار بود برای ورزش های پایه، مدارس ایجاد شوند که بچه های مستعد را پرورش دهند. متأسفانه با توجه به حذف معاونت ورزشی در یکی دو سال اخیر، دیگر پی گیری و ایجاد مدارس ورزش به نتیجه ای نرسید.

در گذشته هم زمانی که مسابقات برگزار می شد، بچه های مستعد خوب را انتخاب می کردیم مثلاً در یک شهرستان کوچک، بچه ای را که معلم نداشت، ولی از آمادگی بدنی خوبی برخوردار بود، انتخاب می کردیم و روی او سرمایه گذاری می کردیم.

مربی خوب، تغذیه ی مناسب و جای راحت، تا برای مسابقات آماده شوند. وقتی این بچه ها برای مسابقات به خارج کشور می رفتند و با بچه های دنیا ارتباط برقرار می کردند، انگیزه ی ورزشی زیادی در آن ها به وجود می آمد؛ انگیزه ای که می توانست، نقطه ی عطفی باشد برای قهرمانی بچه های کشور ما.

○ آیا در طول دورانی که معلم بودید، شاگردی را هم به مرحله ی قهرمانی کشور رساندید؟

□ بله، من مربیگری می کردم و شاگردی هم داشتم که قهرمان کشور و قهرمان ملی شد. اما نکته ای که باید عرض کنم این است که بزرگ ترین استادان دنیا هم در مدرسه و در طول دو ساعت زنگ ورزش، نمی توانند



دوره ی هشتم // شماری ۲
تابستان ۱۳۸۷



اگر بودجه‌ی بیشتری خرج ورزش کنیم، خیلی کمتر از بودجه‌ای خواهد بود که ما برای درمان بیماری‌ها باید هزینه کنیم

○ چه راهکارهایی برای همکاری و هماهنگی متقابل میان آموزش و پرورش، سازمان تربیت بدنی و کمیته‌ی ملی المپیک پیشنهاد می‌کنید؟

□ از نظر من، نبود ارتباط میان این سه ارگان با یکدیگر باعث افت رشد ورزش خواهد شد. وجود یک مدیریت واحد بر این تشکیلات می‌تواند خیلی بازدهی داشته باشد. چون من، هم در فدراسیون و هم در آموزش و پرورش خدمت می‌کنم، می‌بینم که کارهای موازی تکراری زیادی وجود دارند. متأسفانه این ارگان‌ها با هم اختلاف نظر دارند اگر امروز با این شرایط یک مدیریت واحد داشته باشیم، نفع آن بیشتر خواهد بود.

○ چگونه می‌شود از اندیشه‌ها و تجربیات شخصی مثل شما، در ورزش مدارس استفاده کرد؟

□ من کارهای اداری و اجرایی زیاد انجام داده‌ام. توصیه‌ام به دست اندرکاران این است که باتجربه‌ها و پیشکسوت‌ها را کنار نگذارند و از آنان و تجربیاتشان در زمینه‌های گوناگون ورزشی استفاده کنند. من چون مسئول انجمن ژیمناستیک مدارس کشور هستم، کنار گذاشته نشده‌ام، ولی فکر می‌کنم، مثل من کم نیستند که کنار گذاشته شده‌اند. باید از مثل ما که کارمان را عاشقانه شروع کرده‌ایم و عاشقانه هم ادامه داده‌ایم، استقبال کنند. چون دیگر مسائل مادی ما را ارضا نمی‌کنند، بلکه عشق به کار است که باعث رضایتمان می‌شود. ما در چین، برای تمرین وارد سالنی شدیم که بسیار شلوغ بود و بچه‌های کوچک مهدکودک را آورده بودند تا ژیمناستیک کار کنند. قهرمانان، پیشکسوتان و مربیان ارشد ورزش هم به ردیف نشسته بودند و به ورزش نگاه می‌کردند. این نشان می‌داد که آنان چه قدر برای قهرمانان و بزرگان ورزش احترام و اهمیت قائل هستند و آن‌ها را فراموش نکرده‌اند و از یاد نبرده‌اند.

○ از این که دعوت ما را برای این گفت و گو پذیرفتید و قبول زحمت کردید تا مخاطبان مجله‌ی «رشد تربیت بدنی» از نظریات و تجربیات شما استفاده کنند، نهایت تشکر را داریم. موفقیت شما را از ایزد منان خواستاریم.

را هدایت کند و شوق لازم را در او به وجود آورد. من فکر می‌کنم، بچه‌ها خیلی بیشتر از سایر دروس باید به تربیت بدنی اهمیت بدهند. هر معلمی باید در زمینه‌ی درسی که می‌دهد، علم داشته باشد. وقتی او باسواد باشد، بچه‌ها بیشتر جذب می‌شوند. حال اگر معلم ورزش هم عاشق باشد و هم ورزشکار، باعث علاقه‌مندی بچه‌ها می‌شود. وقتی که من لباس ورزش می‌پوشم و در زمین ورزش با بچه‌ها والیبال و فوتبال بازی می‌کنم، آن‌ها انگیزه‌ی بیشتری برای ورزش پیدا می‌کنند. من معتقدم که اگر معلم ورزش بخواهد از مهارت‌های خود استفاده کند، می‌تواند در آن دو ساعت زنگ ورزش، در بچه‌ها شوق و انگیزه ایجاد کند. او با تعلیمات درست ورزشی می‌تواند بچه‌ها را عاشق ورزش کند.

○ معلم ورزش چگونه می‌تواند به تکنیک‌ها و روش‌های روز ورزشی دست‌رسی پیدا کند؟

□ اول این که علاقه‌مند باشد و دوم این که سواد ورزشی داشته باشد. وقتی این‌گونه شد، او به دنبال تحقیق و مطالعه خواهد رفت. معلم ورزش باید روان‌شناس خوبی هم باشد. بتواند دانش‌آموز را شناسایی کند و با او ارتباط برقرار کند. با مطالعه‌ی مقالات و کتاب‌های جدید آموزشی، دانش خود را به روز نگه دارد. به علاوه باید از توانایی انتقال علم خودش به دانش‌آموز برخوردار باشد. او باید همیشه به دنبال علم ورزشی باشد.

○ نظرتان درباره‌ی پیشرفت ورزش دختران در ایران چیست؟

□ دختران بعد از انقلاب در ورزش مشکلاتی داشتند، ولی حالا می‌بینیم که از پیشرفت خوبی برخوردارند. پیشرفت آن‌ها نیز چند علت دارد. وقتی می‌دانند که ورزش آن‌ها نتیجه دارد و می‌توانند به قهرمانی در دنیا برسند، انگیزه‌ی بیشتری برای ورزش پیدا می‌کنند و در این صورت، کافی است که علم و تخصص ورزشی کسب کنند تا موفق شوند. به نظر من دختران در ورزش‌هایی که پوشیده‌ظاهر می‌شوند، مثل تیراندازی، قایق‌رانی، شطرنج و ورزش‌های رزمی، موفق‌تر هستند.

